

خود عوض کند. (۶)

قرآن یک اصلی را تعلیم می‌دهد که در همهٔ امور باید مورد توجه و قابل تعمیم باشد. می‌فرماید: "لیس للإنسان الا ما سعی" سعادت هر کس در گرو عمل اوست.

یکی از نشانه‌های عزم و اراده و تصمیم جدی، پایداری و مقاومت است. بیش‌تر نوابغ و اندیشمندان، بیش از آن‌که متکی به قدرت نبوغ خویش باشند، از همت و استقامت و بردباری بهره برده‌اند. البته، همواره رسیدن به موفقیت، مشکلاتی به همراه دارد. صبر و شکیبایی و استقامت و بردباری، از شیوهٔ مردان بزرگ، کامیاب و موفق جهان است. نقل سرگذشت سکاکی دانشمند بزرگ قرن هفتم هجری، بسیار جالب است. وی در سی سالگی شروع به تحصیل کرد. با این‌که آموزگار وی از موفقیت او مأیوس بود، اما او با شور و پشتکار عجیبی مشغول تحصیل شد. آموزگار برای ارزیابی میزان درک و هوش و فهم وی، مسأله ساده‌ای را برای او طرح کرد و آن یک مسأله از فقه شافعی بود: «پوست سگ با دباغی پاک می‌شود.» سکاکی آن را زیاد تکرار کرد و با شور و شوق آماده ارائه تکلیف خود به استاد شد.

فردای آن روز سکاکی در پاسخ به سؤال روز گذشته معلم گفت: «سگ گفت: پوست استاد با دباغی پاک می‌شود.» در این لحظه، شلیک خنده شاگردان و معلم بلند شد. ولی روح آن نوآموز سالمند، به اندازه‌ای بلند بود که از این عدم موفقیت در امتحان، شکست نخورد و ده سال تمام در این راه گام نهاد. ولی به علت بالابودن سن، تحصیل او رضایت‌بخش نبود.

روزی برای حفظ درس به صحرا رفت و اثر ریزش باران را روی صخره‌ای مشاهده کرد و از دیدن این منظره پند گرفت و گفت: «هرگز دل و روح من سخت‌تر از این سنگ نیست اگر قطرات دانش بسان آب باران در دل من جاری شود، به طور مسلم اثر نیکویی در روان من خواهد گذارد.»

نقش همت در رشد شخصیت

محمدرضا مطهری
نیره پارسا

فرد و یا جامعه‌ای اگر کاری را اراده کنند، می‌توانند آن را انجام دهند. توفیق انجام کار، همان عزم و اراده انجام آن است. حضرت امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «هرگز بدنی از انجام آنچه که اراده کرده و همت گماشته، ضعیف نخواهد شد.» (۵)

داشتن اراده‌ای قوی و تزلزل‌ناپذیر، مختص قوی‌دلان است. موفقیت و شکست ما وابسته به این است که دارای ارادهٔ قوی یا ضعیف باشیم. هر چه موانع و مشکلات ما برای انجام کاری بیش‌تر باشد، اراده قوی‌تر و همت والاتر و نیز انرژی بیش‌تری لازم

اصولاً معیار ارزش انسان به ارادهٔ اوست. به مقتضای همت انسان و ارج و قدر هر کسی به قدر همت اوست چه عالی باشد یا دانی، بلند همت باشد یا دون همت. (۱)

انسان با همت خویش اوج می‌گیرد، چنان‌که پرنده با بالهایش آسمان‌ها را در هم می‌نوردد. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «قدر و ارزش هر انسانی به قدر همت اوست.» (۲)

در جای دیگر می‌فرماید: «شرف انسان به همت‌های عالی اوست نه به استخوان‌های پوسیدهٔ نیاکان.» (۳)

انسان به هر کاری همت گمارد و اراده کند

می‌تواند آن را انجام دهد. خواستن اراده کردن است و اراده کردن تصمیم گرفتن. شاعر نیز چنین می‌سراید:

همت اگر سلسله جنبان شود
مور تواند که سلیمان شود

آن را که عقل و همت و تدبیر و رأی نیست
خوش گفت پرده‌دار که کس در سرای نیست. (۴)

داشتن اراده ای قوی و تزلزل ناپذیر، مختص قوی دلان است.

خواهد بود.

داشتن اراده قوی، اولین قدم برای تحصیل موفقیت است. زیرا انسان با اراده قوی همواره با مشکلات مبارزه می‌کند و تسلیم نمی‌شود. برای فرد با اراده، هیچ امری غیرممکن نیست، کسی که دارای عزم راسخ است، می‌تواند جهان را مطابق میل

او به شهر بازگشت و با شور زائدالوصفی مشغول تحصیل شد و بر اثر استقامت و پشتکار، یکی از نوایغ ادبیات عرب گردید. وی کتابی در علوم عربی انتشار داد که مدت‌ها محور تدریس در دانشکده‌های اسلامی بود.^(۷)

ملک الشعرای بهار، مقاومت سرسختانه چشمه‌سار را در برابر صخره‌ای بزرگ این‌گونه به نظم درآورده است:

جدا شد یکی چشمه از کوهسار
بره گشت ناگه به سنگی دچار
به نرمی چنین گفت با سنگ سخت
گرم کرده راهی ده ای نیکبخت
ولی سنگ چون خوگران بود سر
زدش سیلی و گفت دور ای پسر
نجنیدم از سیل دریا گرای
که ای تو، که پیش تو جنم ز جای
نشد چشمه از پاسخ سنگ سرد
به کندن در ایستاد و ابرام کرد
بسی کندوکاuid و کوشش نمود
کزین سنگ خارا رهی برگشود
ز کوشش به هر چیز خواهی رسی
به هر چیزی خواهی کما هی رسی^(۸)
باید توجه داشت که همواره باید در ترسیم اهداف بهترین، والاترین و ارزشمندترین آن‌ها را برگزید و برای دستیابی به آن‌ها اقدام نمود. امیرمؤمنان علی^(علیه السلام) می‌فرماید: "بهترین همت‌ها، بزرگ‌ترین آن‌هاست. آری این همت‌های بزرگ و اهداف والا هستند که انسان‌ها را به تلاش‌های ارزشمند، مداوم، پی‌گیر و خستگی‌ناپذیر فرا می‌خوانند."^(۹)

همچنین امام حسین^(علیه السلام) از پیامبر بزرگوار اسلام^(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌فرمایند: "خدا کارهای بلند و همت‌های والا را دوست دارد و از کارهای سُست و همت‌های فرومایه کراهت دارد."^(۱۰)

کسانی که افکار بلند و همت‌های والا دارند، نمی‌توانند همت خود را در دایره کوچکی محصور سازند و همواره پس از نیل به مقصود، خود را در آستانه مقصد دیگر می‌بینند. بنابراین، باید از آغاز کار، اهداف را بلند در نظر گرفت. واقعیت هم همین است. تا انسان خود را برای اهداف بلند آماده نسازد، به سختی به اهداف کوچک‌تر دست می‌یازد.

سعدالدین تفتازانی، از پایه‌گذاران فن

بلاغت در اسلام است. روزی خواست از میزان همت فرزند خود آگاه شود. به او گفت: "پسرم هدف تو از تحصیل چیست؟" پسر گفت: «تمام همت من این است که از نظر معلومات به پایه شما برسم.» پدر از کوتاهی فکر فرزند متأثر شد و با لحن تأسف آور گفت:



خدا کارهای بلند و همت‌های والا را دوست دارد و از کارهای سست و همت‌های فرومایه کراهت دارد.

«اگر همت تو همین است، هرگز به نیمی از مراتب علمی من نخواهی رسید، زیرا افق فکر تو فوق‌العاده کوتاه است. من که پدر تو هستم آوازه علمی امام صادق^(علیه السلام) را شنیده و از مراتب دانشش، به وسیله آثاری که از او به یادگار مانده بود، آگاه شدم. در آغاز

تحصیل، تمام همت من این بود که به پایه علمی این شخصیت بزرگ برسم. من با این همت بلند، به این درجه از علم رسیده‌ام که مشاهده می‌کنی و هرگز قابل قیاس با مقام آن پیشوای بزرگ نیستم. تو که اکنون چنین همت کوتاهی داری، پیمانه شوق و شورت در نازل‌ترین درجات علمی لبریز خواهد گردید و دست از تحصیل خواهی کشید.» غرض این‌که باید کوشش کنیم تا در خود همت‌های عالی به وجود آوریم.

شاید زیباترین اندیشه در باب بلندهمتی، را بتوان از خواجه لسان الغیب، حافظ شیرازی دریافت:

همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود
که ز بند غم ایام نجاتم دادند
مولوی می‌گوید:

آب کم جو تشنگی آور به دست
تا که جو شد آب از بالا و پست^(۱۱)

البته، باید توجه داشت که همت والا با بلندپروازی تفاوت دارد. برخی افراد بدون در نظر گرفتن توانایی‌ها و استعدادهای درونی خویش، افکاری بلندپروازانه دارند که هرگز به آن دست نخواهند یافت و در واقع، برخلاف جریان آب شنا می‌کنند.

در این صورت، است که شخص یا دچار شکست می‌شود و یا با موفقیت ناچیزی روبرو می‌شود. به همه به ویژه نوجوانان و جوانان توصیه می‌شود که با شناسایی استعدادهای خویش به کمک مشاورین روانشناس، با همت‌های عالی و عزم و اراده‌ای پولادین درصدد شکوفایی استعدادهای بالقوه و نهانی خویش برآیند.

پی‌نوشت‌ها

- عباسعلی اختری، مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، ص ۱۲۱
- نهج البلاغه، صبحی، حکمت شماره ۴۷
- غررالحکم و درالکلم، ص ۸۷
- محمد رضا شرفی، بینش‌های تربیتی، ص ۳۲
- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸
- عباسعلی اختری، پیشین، ص ۱۲۲ و ۱۴۵
- جعفر سبحانی، رمز پیروزی مردان بزرگ، ص ۳۹ و ۴۰
- همان، ص ۴۱ و ۴۲
- محمد حسن نبوی، مدیریت اسلامی، ص ۶۵ و ۶۶
- عبدالله جوادی آملی، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، ص ۷۹، به نقل از: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶
- جعفر سبحانی، پیشین، ص ۵۶ و ۵۷

